

تأثیر نقاط عطف مذهبی

بر شکل‌گیری فضای جمعی در هند*

لیلا سلطانی، دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
soltani.landscape@gmail.com

علیرضا سیاوشی، کارشناس ارشد معماری، دانشکده فنی و حرفه‌ای زینب کبری (س)
alirezasiavoshi@yahoo.com

چکیده

مطالعه نظام فضاهای مذهبی در متن شهرها، به‌عنوان یکی از لایه‌های نشانه‌شناسی، مؤلفه مؤثری در شناخت منظر شهری به‌مثابه یک ساختار اجتماعی - فضایی پایدار است. تبیین نحوه حضور فعالیت‌های مذهبی در محیط شهر که مترتب از مفاهیم معنوی و فرهنگی حاصل از جهان‌بینی حاکم بر جامعه است؛ ابزار مناسبی برای قرائت ساختار اجتماعی - فضایی شهر و نیز شکل‌گیری فضای جمعی است. این نوشتار در پی آن است که از طریق بررسی فضاهای مذهبی در نظام نشانه‌شناسی شهر، تأثیر آن بر شکل‌گیری فضای جمعی در شهر را بررسی نماید. بدین‌منظور با تکیه بر مطالعات میدانی انجام‌شده، ضمن انتخاب سه نمونه فضای مذهبی، براساس مؤلفه‌های هر فضا به تبیین جایگاه فضای موردنظر، به‌عنوان نقطه عطف یا نشانه شهری در شبکه نشانه‌شناسی شهر می‌پردازد؛ و تأثیر آن فضا، در ایجاد فضای جمعی شهر را بررسی می‌نماید. با توجه به اینکه جامعه هند بستر تنوع ادیان مختلف و حضور گسترده و عمیق فعالیت‌های مذهبی متنوع در فضای شهری است، سه نمونه از شهرهای هند بستر مکانی این پژوهش انتخاب شده‌اند که ضمن بهره‌گیری از برداشت‌های میدانی، با روش تحلیلی - توصیفی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در روند بررسی مشخص می‌شود که بین فضای جمعی و نقاط عطف شهری، رابطه معناداری برقرار است. به‌نحوی که هرگاه فضای مذهبی به یک نقطه عطف شهری تبدیل شده، منجر به ایجاد یک فضای جمعی در شهر شده است؛ درحالی‌که فضاهای مذهبی، صرفاً به‌عنوان نشانه در سطح شهر مطرح هستند و بستر بروز چنین فضایی قرار نگرفته‌اند. می‌توان چنین نتیجه گرفت که شاخص‌های مؤثر در ایجاد نقاط عطف شهری، پیش‌زمینه تشکیل فضای جمعی نیز هستند.

واژگان کلیدی

فضای مذهبی، نشانه شهری، نقاط عطف، فضای جمعی، هند.

مقدمه

خوانایی فضاهای شهری ایفا می‌نمایند از جایگاهی ویژه و اهمیتی بسزا در مطالعه لایه‌های منظر شهر برخوردارند. عناصر فوق‌الذکر که به دلیل تنوع ماهیتی و دامنه گسترده، در قالب یک شبکه به هم پیوسته و نظام‌مند قابل بررسی‌اند؛ به واسطه تداوم تصویر ذهنی مشترک در ادراک محیط و ایجاد هویت مشخص مستلزم مدیریت مستمر بوده، زمینه تحلیل فرامودهای اجتماعی - سیاسی - فرهنگی را فراهم می‌آورند. این تحقیق بر روش توصیفی - تحلیلی استوار بوده و شیوه گردآوری اطلاعات آن میدانی است.

ابعاد ناملموس حیات مدنی، همچون فقر و غنا، سلطه نهادها و ارزش‌های معین، سلايق زیباشناختی خرده‌فرهنگ‌ها، عمق تاریخی شهر، میزان ایمنی و امنیت جامعه، چگونگی احترام جامعه به قراردادهای اجتماعی و غیره از طریق نظامی از نشانه‌ها امکان تجلی و بروز خارجی یافته و ارزیابی مثبت و یا منفی را میسر می‌سازد. شناسایی نظام نشانه‌ای حاکم بر شهرها امکان مدیریت شهر و برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار آن را منطبق بر زمینه فرهنگی - اجتماعی آن مهیا می‌سازد. نقاط عطف و نشانه‌های شهری به مثابه ابزار قرائت شهر، به واسطه نقش مؤثری که در

نقش نشانه‌های شهری و نقاط عطف در خوانایی شهر

یافتن سازوکارهای جداگانه ناشی از مطالعات تاریخی و اجتماعی، به دلیل ماهیت عینی - ذهنی پدیده منظر شهری که ابعاد آن اجزای یک حقیقت واحد هستند، منجر به قرائت صحیح و متین از شهر نخواهد شد. مطالعه جداگانه دو وجه عینی و ذهنی (نمادی و معنایی) منظر شهری خطایی متدولوژیک در تأویل معانی شهری است (منصوری، ۱۳۸۹: ۷).

منظر به واسطه عینیت خود، شأن نمادین پیدا کرده و مجموعه‌ای از نمادها را در خود جای می‌دهد. نمادها گونه‌ای از نشانه‌ها هستند که ساخته وجدان عمومی جوامع و محصول تاریخ است. تکرار مفاهیم مترادف برای یک نماد و افزوده شدن تدریجی معناهای جدید به آن - یک عنصر - حوزه مفهومی گسترده‌ای را می‌سازد که مرز دقیقی ندارد و نماد بر همه آن‌ها دلالت می‌کند. لکن انتخاب معنای موردنظر و درک و تدقیق آن بر عهده مخاطب است (همان: ۶). بر این اساس متغیرهای مرتبط با نماد و نشانه شامل تاریخ، فرهنگ، اجتماع و زمان هستند. این عناصر بخش ثابت و قابل تکیه‌ای از تصویر ذهنی شهروندان از شهر را تشکیل می‌دهند و بدیهی است که عدم پیوستگی میان تصاویر ذهنی نسل‌های مختلف ساکن شهر، تداوم هویت شهر را در معرض خطر قرار می‌دهد. نشانه‌ها و نقاط عطف شهری در ایجاد یک تصویر عمیق که حاکی از نقش اجتماعی مردم باشد مؤثرند. خوانایی مبتنی بر نشانه باید به مخاطبین کمک کند تا خود را در فضا بازیافته و در آن احساس ایمنی کرده و افزون بر کالبد، معنای محیط را دریافت کنند.

مفهوم و ویژگی‌های نشانه شهری

فارغ از وجه و طبقه‌بندی معنایی، «نشانه شهری» هر عنصر طبیعی یا مصنوعی است که به لحاظ کالبدی یا ذهنی - تاریخی منحصر به فرد باشد و به واسطه تمایز از بستر، موجب ارتقای

منظر شهری به مثابه عنصری واحد، مفهومی از شهر است که توسط شهروندان و براساس تجربه آن‌ها از مکان پدید می‌آید، و با شناخت و تجربه ساکنان از فضاهای شهر شکل می‌گیرد؛ مهم‌ترین نقش آن فراهم آوردن امکان قرائت کلیت شهر به مثابه یک «متن» است. فهم منظر شهری به مثابه «نظامی از نشانه‌ها» که قادر به «پیام‌رسانی در زمینه‌های گوناگون است، امکان «قرائت» و «خوانش» متن شهر و کشف یا تأویل معانی آن را فراهم می‌سازد. خوانایی فضاهای شهری مسئله‌ای است که تاکنون موضوع بسیاری از مطالعات واقع شده و برای تحقیق راهبردهای مختلفی نیز پیشنهاد شده است. «لینچ» در کتاب «سیمای شهر»، خوانایی را «سهولت در شناسایی قسمت‌های مختلف شهر و سازمان‌دهی آن‌ها در یک الگوی منسجم» تعریف می‌کند. وی با استناد به نقشه ادراکی موجود در ذهن مردم، ساختاری را معرفی می‌کند که در واقع یک ارائه درونی از محیطی است که مردم از آن به عنوان مرجعی برای یافتن مقاصد خود و هدایت شدن استفاده می‌نمایند؛ که اگر محیط زندگی آدمیان را به مقیاس اندازه، زمان و پیچیدگی شهر مورد ملاحظه قرار دهیم، این عامل اهمیت خاصی می‌یابد (لینچ، ۱۳۸۵: ۱۹). «بنتلی» و همکارانش نیز خوانایی را در دو سطح واجد اهمیت می‌دانند: فرم کالبدی و الگوهای فعالیت. مکان‌ها ممکن است در یکی از این دو سطح خوانا و قابل فهم باشند لیکن حداکثر استفاده از امکانات بالقوه یک مکان در گروه ادراک توأمان این دو سطح است (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۳). بر مبنای چنین تعاریفی، مفهوم خوانایی آن است که بتوان به آسانی اجزای شهری را شناخت و آن‌ها را در ذهن، در قالبی به هم پیوسته به یکدیگر ارتباط داد. لیکن مطالعه مستقل اجزای شهر و حتی

ثبات می‌بخشند، به فواصل موجود در اطراف خود نوعی پیوستگی می‌دهند، خوانایی شهر را افزایش داده به آن هویت می‌بخشند (جدول ۲).

نشانه‌ها و نقاط عطف مذهبی در شهرهای هند

شهرهای هندی مبین نمادهای مقدس هستند. این شهرها بعد اجتماعی تقدیس را از طریق رابطه طبقات اجتماعی و تمرکز مطرح می‌کنند. نمادگرایی مذهبی بر طرح تمامی شهرها و روستاهای هندی و تمامی محلات، خیابان‌ها، مکان ساختمان‌ها و همچنین فضاهای باز و دروازه‌ها و آب‌انبارها حاکمیت داشته است.

جدول ۲. ویژگی‌های نقاط عطف شهری.
مأخذ: نگارندگان.

ویژگی نقاط عطف
تنوع فضایی
حضور شهروندان و تنوع مخاطبان
تثبیت در خاطره جمعی و سیمای ذهنی
شکل‌گیری روابط اجتماعی
انتقال معنا
ایجاد پیوستگی با بافت پیرامون
ثبات بخشیدن به نظام شهری
توسعه برابری اجتماعی و عدالت اجتماعی
ایجاد مقیاس انسانی

تصویر ذهنی جامعه از محیط شود، و محملی برای معنا و خاطره جمعی فراهم آورد؛ به نحوی که باعث اعتلای خوانایی شهر شود. این عناصر که در سه مقیاس خرد، میانی و کلان مطرح هستند، عامل مهمی در تشخیص و تمییز بخش‌های مختلف شهر هستند و مهم‌ترین خصوصیت آن‌ها بی‌نظیر بودن، منحصر به فرد بودن، فرمی واضح و روشن داشتن، از توده اطراف قابل تمییز بودن، عملکرد نمادین داشتن، و باری دادن به حافظه است (تولایی، ۱۳۸۶: ۱۱۲). از آنجاکه نشانه، مبین وجوه اجتماعی و فرهنگی شهر است می‌توان چنین نتیجه گرفت که نشانه به‌عنوان یک عنصر تجربه‌شده و انسان به‌واسطه ارزش‌ها و مفاهیم مترتب از هویت، واجد رابطه متقابل هستند (جدول ۱).

جدول ۱. ویژگی‌های نقاط نشانه شهری.
مأخذ: نگارندگان.

ویژگی نشانه‌های شهری
برجستگی (prominence)
ابعاد شاخص بنا
اثرگذاری بر کاربری‌های اطراف
جهت‌دهی به افراد
انتقال معنا
منحصر به فرد بودن (singularity)
قابل تمییز بودن از توده مجاور
نقش نمادین داشتن

مفهوم و ویژگی‌های نقطه عطف

هر تغییر تعریف‌شده ماهیت و شکل فضا، «نقطه عطف شهری» به شمار می‌آید. به عبارت دیگر نقطه عطف، بستر بروز نشانه شهری است. در عین دارا بودن کلیه خصوصیات ذکر شده برای نشانه، شامل مرتبه‌ای فراتر از آن است. خصوصیت مشترک تمامی نقاط عطف، قابلیت تأثیرگذاری بر رفتار استفاده‌کننده (در حال یا آینده) است. چنانچه نشانه‌های شهری فارغ از بعد کالبدی و به‌عنوان عنصر مؤثر در معنای محیط لحاظ شوند، وجه تمایز نقطه نشانه و نقطه «عطف» کمرنگ می‌شود، به طوری که در یک سطح قرار می‌گیرند و نشانه شهری به نقطه عطف بدل می‌شود. در واقع بستر بروز تعامل سیستم‌های فکری و فیزیکی، نقاط عطف شهری هستند که معنای محیط را به تصویر می‌کشند، به‌نظام شهری

شهرهای هندو مبین این نکته هستند که مقدسات در فضا، زمان و ماده تجلی‌یافته و بنابراین فضا و ماده آشکار، فضای غیر آشکار را قابل رؤیت می‌کند. برای مثال براهمائیان در مرکز، طبقات پایین‌تر اجتماعی در فاصله بیشتر از مرکز، و بالاخره نجس‌ها در اطراف شهر سکنی داشتند. در بسیاری طرح‌ها خیابان‌های شمالی - جنوبی و شرقی - غربی در مرکز شهر و در محلی که معبد قرار گرفته باهم تلاقی می‌کنند. مکانی که شهر در آن قرار گرفته به‌اندازه یک معبد مقدس است. فضای اجتماعی یعنی مکان استقرار کالبدی طبقات تبارها و قبایل و حرف گوناگون مشخص شده و در رابطه با نظم مقدس قرار گرفته است. در کانون و مرکز شهر، معبد واقع است. خواه نوع معبد، کوه معمول در شمال هند باشد و یا از نوع فضای خالی در جنوب هند که با حصار و دروازه دربر گرفته شده است.

عناصر در هند عبارت از معبد، قصر و بازار است (همان : ۱۲). ارتباط مفهومی این عناصر با نظام نشانه‌شناسی در شهرهای هند، زمینه بررسی مصادیقی است که در ادامه مطرح خواهد شد. براساس نظرسنجی انجام‌شده از اعضای یک گروه محقق که در اسفندماه سال ۱۳۹۰ ه.ش، طی یک سفر مطالعاتی از ۱۱ شهر هند بازدید کرده و به کنکاش مسایل شهری پرداخته‌اند، سه نمونه از فضاهای مذهبی که در فرایند مطالعات میدانی و بازدیدهای پژوهشی، در ذهن مخاطب قوی‌ترین تصاویر را ایجاد کرده‌اند، تعیین شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ از سه نمونه نامبرده (صرف نظر از طیف گسترده انواع، فرم‌ها، معانی، مقیاس عملکردی) یک فضا به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده (فرمایشی) ایجاد شده و دو فضای دیگر به‌صورت خودرو و محصول شکل‌گیری در طی زمان (برنامه‌ریزی نشده) هستند.

خیابان چندی‌چوک دهلی^۲

فضای ورودی بازار بزرگ چندی‌چوک (بازار اصلی شهر دهلی قدیم) که روبه‌روی قلعه سرخ واقع شده است به‌عنوان یک نقطه ریش، محل استقرار و هم‌جواری اماکن مذهبی ادیان مختلف، از مسیحیت و اسلام گرفته تا معابد سیک، جین، شیوا و هندو است. هریک از این بناهای مذهبی علی‌رغم ریزدانی، به لحاظ برخورداری از کیفیاتی چون برجستگی، اثرگذاری بر کاربری‌های اطراف، جهت‌دهی، قابل تمییز بودن از توده مجاور و داشتن نقش نمادین در مقیاس محلی به‌عنوان یک نشانه شهری در خوانایی محیط مؤثرند. درعین حال با برهم نهادن اجزایی که مفصل‌بندی ساختار کالبدی مرکز شهر را تحکیم می‌نماید، حسی قوی از مکان در فضای باز همگانی مرکز شهری ایجاد کرده، و نقطه کانونی در ساختار شهر خلق شده است.

استقرار فضاهای مذهبی ادیان مختلف در لبه‌های فضای همگانی، در کنار مغازه‌های خرده‌فروشی و سایر فعالیت‌های تجاری، یک جو سرزنده، زیست‌پذیر و مردم‌مدار را میسر کرده و به نحو مطلوبی در شکل‌گیری فضای جمعی مؤثر واقع شده است. مجموعه این اماکن مذهبی (به‌عنوان نقاط نشانه) به‌واسطه هم‌جواری، ماهیت عملکردی مشابه، الگوی ویژه کاربرد، فعالیت و استقرار مبتنی برهم‌نهستی، به‌صورت یک مجموعه معنادار ادراک می‌شوند که در طول تاریخ، فارغ از برنامه‌ریزی‌های شهرسازانه شکل گرفته و منجر به ایجاد مکانی برای بروز رفتارهای جمعی و تعاملات اجتماعی شده است (تصویر ۱).

این کل معنادار به‌واسطه سابقه تاریخی، امنیت، دسترسی، موقعیت مطلوب نظرگاهی (مشرف بر قلعه سرخ - مؤلفه هویتی شهر) و ایجاد منظری معنادار از تعامل و تعدد ادیان در هند، به‌عنوان یک فضای فعال شهری از جذابیت لازم برای حضور مردم برخوردار بوده و با تأکید بر جنبه‌های ذهنی منظر ضمن تبدیل به مؤلفه‌ای

نظم محیط در هند تجلی ماده الهی است که در تمامی جهان نفوذ کرده است. بر این اساس اصول طراحی شهرها در هند کاملاً متفاوت از اصول غربی است (راپاپورت، ۱۳۶۶ : ۲۶).

لیکن در منظر امروز هند، هم‌نشینی معنادار تضادها و شدت تنوع در ساختارهای اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی و آیینی، فضاهای کالبدی شهرهای هند را به‌مثابه نمود فیزیکی و تجسم نمادین تنوع اندیشه در ساحت شهر تبدیل نموده‌اند. هند، سرزمینی است با تعدد ادیان و مذاهب، اقوام و فرهنگ‌ها، که آزادی مذهب در قانون اساسی آن مقید بوده و حفظ آزادی عقیده، ایمان و عبادت جزء حقوق تمامی اتباع هندی است.^۱

تعدد ادیان در ساحت شهر و در مقیاس‌های مختلف زندگی اجتماعی، با بروز و اجرای آیین‌های مذاهب مختلف نمایان است. دین یکی از مهم‌ترین وجوه تاریخ و زندگی معاصر هند است که تأثیر عمیقی بر زندگی روزمره افراد گذاشته و در هر جنبه از زندگی، از پیش‌پاافتاده‌ترین امر تا سیاست و تحصیلات نفوذ دارد. مردم، ادیان هند را با ریشه‌های تاریخی عمیق آن به خاطر سپرده، و اکثریت آن‌ها روزانه به آیین و مناسک ادیان مشغول‌اند. این امر در بسیاری از جشنواره‌ها، موسیقی، و تشریفات رسوخ پیدا کرده، و با تنوع بی‌نظیری، در راستای پاسخگویی به الزامات و نیازهای جامعه شهری بر الگوی استقرار ابنیه مذهبی نیز تأثیرگذار بوده است. این سطح از درهم‌پیچیدگی دین با وجوه زندگی فردی و اجتماعی مردم هند منجر به بروز جلوه‌های مختلف نشانه‌های مذهبی در ساحت شهرها شده است.

اگرچه مطالعات انجام‌شده درباره نشانه‌های شهری مؤید آن است که ایجاد بیش‌ازاندازه نشانه‌های شهری موجب اغتشاشات ادراکی و بصری می‌شود؛ لیکن به نظر می‌رسد تکثر نشانه در شهرهای هند، از الزامات پاسخگویی به نیازهای جامعه شهری است. در چنین جامعه‌ای فضای مذهبی، مؤلفه‌ای مؤثر در شکل‌گیری فضاهای جمعی است.

تعدد ادیان و جمعیت جامعه سنتی شهرنشین مبین جایگاه ویژه نشانه‌های مذهبی در نظام نشانه‌شناسی شهر به‌عنوان مؤلفه هویتی شهر هندی است. به‌نحوی که با کاهش بروز این نوع نشانه در فضاهای شهری، چنین به نظر می‌رسد که شهر، خارج از محدوده جغرافیایی - فرهنگی هند بوده و متعلق به فرهنگ هندی نیست. چنانکه بمبئی علی‌رغم قرارگیری در محدوده سیاسی - جغرافیایی هند، به لحاظ حضور حداقلی نشانه‌های مذهبی - که با مصادیق مدرنیته جایگزین شده‌اند - بیشتر به شهرهای اروپایی شبیه است تا جزئی از سرزمین هند.

خوانایی شهرهای هند و شکل‌گیری فضای جمعی

در میان فرهنگ‌های مختلف، برای آن‌که به یک مجتمع زیستی واژه شهر اطلاق شود، وجود عناصر مختلفی ضروری است. این

شهرهای هند برای معرفی و زنده نگه‌داشتن آن چیزی است که به‌عنوان افتخارات، داشته‌ها و هویت مشترک ملت هند معرفی می‌کنند. این بنای مذهبی در مجموعه‌ای درون‌گرا از طریق ایجاد تندیس بزرگ‌مردان تاریخ معاصر هند و روایت سابقه تاریخی، فضا سازی در باغ و احداث معبدی موزه‌مانند از خدایان هندو در نهایت افراط در جزییات و نگاره‌ها در ساختار شهر به‌عنوان یک نشانه شهری ایفای نقش می‌نماید.

در شرایطی که انتظار از جامعه پیشرو هند در ساخت پروژه‌های درشت‌مقیاس شهری، لحاظ نگرش چندوجهی و چندجانبه است، این فضای مذهبی برخلاف سنت جامعه هندی که مبتنی بر تلفیق و پیوند استوار و بی‌واسطه فضاها و مراسم مذهبی با زندگی روزمره اجتماع است، کاملاً درون‌گرا و منفصل از بافت شهری، به‌صورت تک‌عملکردی احداث شده است. ورود به آن مستلزم پرداخت وجه برای ورود و بازرسی بدنی طی سلسله‌مراتب تعریف‌شده در مسیر دسترسی است. تفسیر مخاطب از حضور در این فضای مذهبی، حضور و مشارکت در یک عرصه پویای اجتماعی نیست و قوانین و رفتارهای تعریف‌شده منجر به ایجاد یک فضای فعال و انعکاس‌پذیر و مشارکتی نشده است. این نشانه شهری گرچه به‌واسطه مقیاس کالبدی در شهر به‌عنوان عنصری هدایت‌گر ایفای نقش می‌نماید، به‌واسطه درون‌گرایی تعاملی با بافت پیرامون ایجاد نکرده، کنشی با فضای شهر برقرار نساخته و در زمره نقاط عطف شهری محسوب نمی‌شود (تصویر ۲).

این معبد کلان‌مقیاس به‌عنوان مؤلفه‌ای عینی در منظر مصنوع دهلی که به‌واسطه ویژگی‌های کالبدی شاخص خود، صرفاً واجد مؤلفه‌های یک نشانه شهری است، در فرایند برنامه‌ریزی منجر به ایجاد یک فضای جمعی نشده و فرمانمندی مبنی بر دخالت دولت و سیاست‌های حزبی بر الگوی استقرار و رویکرد حاکم بر بهره‌گیری از فضای مذهبی دارد. چنین دخالت‌هایی ضمن تضعیف حوزه



تصویر ۱. هم‌جواری فضاهای مذهبی ادیان مختلف در خیابان چندی‌چوک. عکس: لیلا سلطانی، آرشیو پژوهشکده نظر، ۱۳۹۱.

با وجوه مادی و غیرمادی در حیطه ذهن مخاطب، تصویری قوی نیز ایجاد می‌کند. این فضای شهری به دلیل تأثیرگذاری بر شکل‌گیری تعاملات گروهی افراد و ساماندهی خاطرات اجتماعی و مشترک آنان، موجب ارتقای هویت و نمایانی شده لذا در حوزه نقاط عطف ذهنی قرار دارد.

این الگوی استقرار ابنیه مذهبی در دهلی - پایتخت بزرگ‌ترین جمهوری دنیا - به شکل معناداری تجلی تأثیر روحیه مردم هند به‌عنوان سرمایه اجتماعی جامعه، در شکل‌گیری چنین نقاط عطف شهری است. فضاهای شهری اطراف چندی‌چوک سال‌های متمادی نقش حساسی در مرکز دهلی قدیم به عهده داشته‌اند. به‌گونه‌ای که تعامل عناصر آن منجر به ایجاد فضای جمعی شده است. هرکس بالقوه حق شرکت در این فضا را دارد و هیچ‌کس را امتیازی نسبت به دیگران در این فضا نیست.

معبد آکشاردام دهلی

«آکشاردام» گونه‌ای فضای مذهبی برنامه‌ریزی‌شده و جدیدالاحداث در هند است که در مقیاسی کلان، به‌صورت نمادین و عظمت‌گرا، در حجم و اندازه‌ای بسیار بزرگ‌تر از آنچه مورد نیاز جامعه مخاطب است احداث شده و به‌صورت یک نشانه شهری نمود یافته است؛ معبد آکشاردام دهلی بزرگ‌ترین معبد آیین هندو در جهان، معبدی عظیم در حاشیه رود «یامونا» است که از معروف‌ترین معابد و اماکن مذهبی در دهلی به شمار می‌رود. این بنای جدیدالاحداث با کمک‌های دولتی ساخته شده و بر مبنای اظهارات سیاست‌مداران در مراسم بازگشایی آن، محصول برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری آنها و مدیریت کلان کشور در پایتخت هند به‌منظور حصول اهداف بلندمدت مبتنی بر حفظ ارزش‌های حاکم بر افکار عموم جامعه و حافظه تاریخی مشترک در دنیای مدرن امروز و نیز معرفی آن‌ها به جامعه جهانی است.^۲

معبد کلان‌مقیاس آکشاردام نمود عزم دولت‌مردان و مدیران



تصویر ۲. استقرار معبد آکشاردام منفک از بافت پیرامون. عکس: لیلا سلطانی، آرشیو پژوهشکده نظر، ۱۳۹۱.

گردهمایی‌های مدنی، تفریحات غیررسمی و برگزاری مراسم خاص شده که سرزندگی و حیات شهری را چشمگیر جلوه می‌دهد (تصویر ۳). این نقطه‌عطف شهری، محصول تعامل فعال فضای مذهبی با چند نشانه شهری دیگر در مقیاس شهر است که به لحاظ ماهیت عملکردی از تنوع برخوردارند؛ مکانی قابل دسترس و نفوذپذیر که بر از تحرک است؛ قابلیت عرضه تجربیات متنوعی را دارد و لذا معانی و استفاده‌های گوناگونی ایجاد نموده، در اوقات گوناگون افراد مختلف را به خود جذب می‌کند. این گوناگونی موجب فهم و تصویر ذهنی مرکب و غنی در یک فضای جمعی می‌شود که معانی متنوعی را عرضه می‌کند (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۹). استقرار و هم‌جواری خودجوش این مجموعه بناها با محوریت یک نشانه مذهبی در کنار هم، معلول کنش ارتباطی است که با ایجاد زمینه فهم گذشته تاریخی و با تأمین ارتباط میان فرهنگ‌ها و گروه‌های عصر حاضر، در برقراری وفاق و اجماع نقشی اساسی دارد. این نقطه‌عطف شهری محصول درآمیختن کالبد با آرمان‌های فرهنگی - سیاسی - اجتماعی و درواقع نظامی با قوانین مختص به خود است که از طریق به حد اعلای رساندن گستره گزینه‌های قابل عرضه به مردم، یک محیط دمکراتیک برای استفاده کنندگان فراهم کرده (همان: ۴) و منجر به ایجاد یک حوزه عمومی بسیار قوی شده است.

عمومی، آن را به عنصری ایدئولوژیک تبدیل می‌کند. براین اساس تعداد معدودی از سازمان‌ها و تشکیلات عظیم و قدرتمند حوزه عمومی را تحت سلطه و سیطره قرار داده و از آن برای دست‌کاری منافع و اذهان عمومی استفاده می‌کنند. منافع و نقطه‌نظرات نخبگان جوامع، جایگزین منافع عمومی می‌شود.

عرصه مقابل معبد جاگدیش^۴ در ادیپور^۵

معبد «جاگدیش» بر بلندای پلکانی مشرف به یک فضای باز شهری است؛ در نقطه تلاقی دو مسیر واقع شده است که یکی به دریاچه پیچولا^۶ ختم می‌شود و دیگری راه - بازاری که درواقع دسترسی قصر یک ماهاراجه^۷ است. این عرصه مکانی برای بروز رفتارهای جمعی و تعاملات اجتماعی است که صرف‌نظر از وقوع در نقطه‌ای استراتژیک، به‌واسطه وقوع مراسم نمادین آیینی در آن، بستر خاطرات اجتماعی و مشترک مردم واقع شده و به‌عنوان یک نقطه عطف رویدادی واجد ارزش نمادین در مکان شده است. مکان‌گزینی این فضای مذهبی در کنار سیتی‌پالاس و دو معبد دیگر، در پیوند با راه - بازار و دریاچه پیچولا، تعامل عنصری از مؤلفه‌های سیاسی - مذهبی - تجاری - طبیعی را زمینه‌ساز شده و منجر به ایجاد یک سامانه محیطی برای تعاملات اجتماعی،

تصویر ۳. شکل‌گیری فضای جمعی در بستر نشانه، ادیپور، هند. عکس: لیلا سلطانی، آرشیو پژوهشکده نظر، ۱۳۹۱.



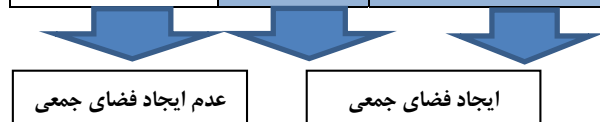
جمع‌بندی

ایجاد فضای جمعی نشده، صرفاً به‌عنوان یک عنصر بصری تفوق یافته و واجد وجوه اجتماعی که زمینه‌ساز شناخت، ادراک، ایجاد تمایز، کسب هویت یک مکان یا حوزه شهری یا حتی کل شهر و تعلق به محیط هستند، نبوده است.

مقایسه نمونه‌های فوق مبتنی بر بررسی و طبقه‌بندی ویژگی‌های کمی و کیفی نشانه‌ها و نقاط عطف شهری و توفیق آن‌ها در فراهم‌آوردن زمینه شکل‌گیری فضای جمعی در جدول ۳ قابل تبیین است. این جدول نشان می‌دهد نشانه مذهبی که زمینه‌ساز

جدول ۳. طبقه‌بندی ویژگی نشانه‌ها و نقاط عطف شهری. مأخذ: نگارندگان.

عناصر نظام نشانه‌شناسی	ویژگی‌ها و کیفیت‌های فضایی	فضاهای مذهبی خیابان چندی چوک	معبد جاگدیش	معبد آکشاردام
نشانه‌های شهری	نمود بصری			
	ابعاد شاخص بنا			
	اثرگذاری بر کاربری‌های اطراف			
	جهت‌دهی به افراد			
	انتقال معنا			
	منحصربه‌فرد بودن			
	قابل تمییزبودن از توده مجاور			
	نقش نمادین داشتن			
نقاط عطف	تنوع فضایی			
	حضور شهروندان و تنوع مخاطبان			
	تنبیت در خاطره جمعی و سیمای ذهنی			
	شکل‌گیری روابط اجتماعی			
	انتقال معنا			
	پیوستگی عملکردی با بافت پیرامون			
	ایجاد مقیاس انسانی			



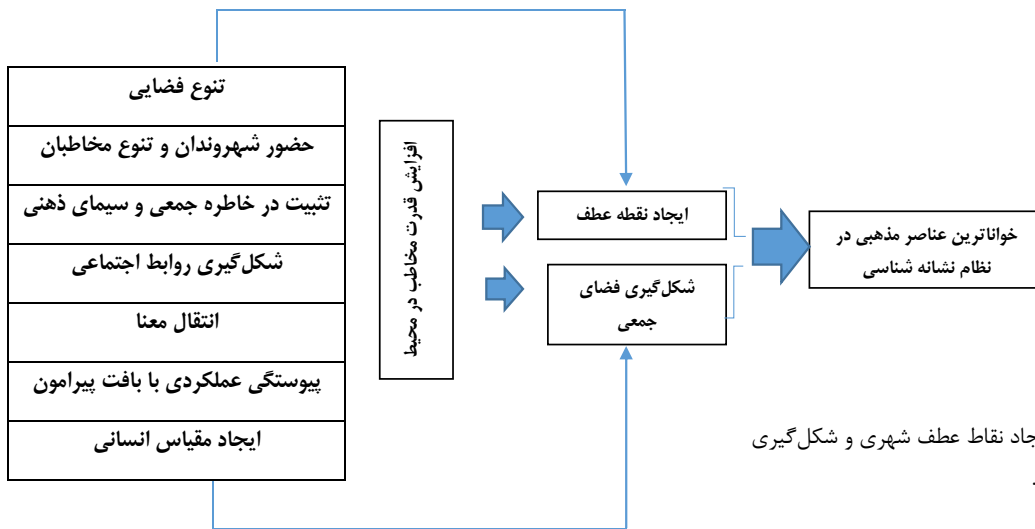
نتیجه‌گیری

هریک از عناصر مذهبی موجود در محیط ریشه بگیرد به روابط جاری در این فضا بستگی دارد؛ که به‌طور مستقیم بر شکل‌گیری فضای جمعی تأثیرگذار است. می‌توان چنین تفسیر کرد که شاخص‌های مؤثر در ایجاد نقاط عطف شهری، پیش‌زمینه تشکیل فضاهای جمعی نیز هستند (نمودار ۱).

حال آنکه احداث فضاهای مذهبی برنامه‌محور با به حداقل رساندن سطح انتخاب مخاطب و مشارکت شهروندان در محیط، فارغ از تجسم پیچیده سه‌بعدی شهر و دیگر ابعاد فضایی و کیفی، در گزینه حداکثری به ایجاد یک نشانه شهری منجر شده و زمینه افول فضای جمعی و ناخوانایی فضاهای شهری و حضور حداقلی شاخص‌های کیفی را فراهم می‌سازد.

از روند بررسی می‌توان نتیجه گرفت بین شکل‌گیری فضای جمعی و ایجاد نقطه عطف شهری، رابطه معناداری برقرار است. به‌نحوی که هرگاه فضای مذهبی به یک نقطه عطف شهری تبدیل‌شده، منجر به ایجاد یک فضای جمعی در شهر شده است؛ درحالی‌که فضاهای مذهبی که صرفاً به‌عنوان نشانه در سطح شهر مطرح هستند، بستر بروز چنین حوزه‌ای قرار نگرفته‌اند.

برآیند مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری نقاط عطف شهری، منجر به افزایش میزان قدرت انتخاب مخاطب در محیط می‌شوند و در عمل، بخشی از میزان حق انتخابی که توسط یک مکان عرضه می‌شود به میزان خوانایی آن ارتباط پیدا می‌کند. براین‌اساس در یک نقطه عطف شهری، خوانایی بیش از آنکه از ویژگی‌های واحد



پی‌نوشت

* این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی «منظر شهری هند» و برداشت‌های میدانی سفر مطالعاتی آن در سال ۱۳۹۰ است که در پژوهشکده نظر انجام شد.
 ۱. http://en.wikipedia.org/wiki/Freedom_of_religion_in_India
 ۲. Chandni Chowk

۳. معبد آکشاردام در سال ۲۰۰۵ توسط رئیس‌جمهور هندوستان، نخست‌وزیر و رهبر گروه مخالف مجلس هند، به ملت هندوستان تقدیم شد. گزیده سخنرانی رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و ماهاراج سووامی در مورد جایگاه آکشاردام چنین است: «... این معبد مکانی برای یادگیری، کسب تجربه و تذهیب است که هنر سنتی را با معماری جدید، فرهنگ هند را با تمدن، ارزش‌های قدیمی را با دانش و مدرن‌ترین تکنولوژی روز درهم آمیخته است. لایه‌های پیچیده و درهم‌تنیده این بنا نشان‌دهنده قدرت عقل، قدرت اراده، روح والا، محبت صرف، اتحاد مهارت‌های علمی، رنگ‌های متنوع فرهنگ‌های مختلف و قدرت مطلقه دانش است ... ما می‌توانیم با کمک میلیون‌ها مغز متفکری مانند شما به کشوری پیشرفته‌تر تا قبل از سال ۲۰۲۰ دست‌یابیم».
- نخست‌وزیر: وی با آرزوی پیشرفت عمیق‌تر مذهب، از معماری باشکوه معبد تجلیل نمود.
- ماهراج سووامی (سرمایه‌گذار اصلی احداث معبد): «امیدوارم در این آکشاردام همه بتوانند راه زندگی خود را بیابند و زندگانی آن‌ها روحانی و الهی شود، درخواست من از خدا این است» (علمدار، ۱۳۹۰).
۴. Jagdish temple
۵. Udaipur
۶. Pichola lack
۷. سیتی‌پالاس، محل سکونت ماهاراجه از تأثیرگذاران مدیریت محلی در تاریخ هند

فهرست منابع

- بنتلی، ای‌ین و همکاران. (۱۳۸۶). محیط‌های پاسخ‌ده، ترجمه: مصطفی بهزادفر، چاپ سوم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۱). شهرسازی شهروندگرا، ترجمه: محمد احمدی‌نژاد، چاپ دوم، اصفهان: نشر خاک.
- تولایی، نوین. (۱۳۸۶). شکل شهر منسجم، تهران: امیرکبیر.
- راپاپورت، آمس. (۱۳۶۶). منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه: راضیه رضازاده، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران.
- شکوهی بیدهندی، محمدصالح. (۱۳۹۱). همه WHها درباره سفر هند، مجله علمی-ترویجی منظر، ۴(۱۸): ۲۸-۳۳.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۵). سیمای شهر، ترجمه: منوچهر مزینی، چاپ هفتم، تهران: دانشگاه تهران.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۷). فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه: فرشاد نوریان، چاپ اول، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری، ترجمه: فرهاد مرتضایی، چاپ اول، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۹). منظر شهری کنترل امر کیفی با مؤلفه‌های کمی، مجله منظر، ۲(۱۱): ۶-۷.
- علمدار، ایمان. (۱۳۹۰). معبد آکشاردام، دیدنی و بی‌نظیر، قابل دسترس در: <http://e-tourism.blogfa.com/post-53.aspx> (تاریخ دسترسی ۹۴/۱۰/۲).
- هابرماس، یورگن. (۱۳۸۴). دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، ترجمه: جمال محمدی، تهران: نشر افکار.